

بسم الله الرحمن الرحيم

### برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

مرحوم آقای آخوند فرمودند: ادله اصول عملیه حکومت بر ادله اجزا مبین نماز حکومت دارد. و لذا به برکت ادله اصول عملیه واقعاً یک طهارت واقعی و ظاهری درست می شود.

گویا شرط نماز، خواندن نماز در لباس پاک واقعی نیست بلکه لباس چه واقعاً پاک باشد چه ظاهراً نماز در آن درست است. آقای نائینی فرمود: آقای آخوند شما این حرف را در امارات نمی زنید و نمی گوید اماره اگر بر طهارت لباس قائم شده باشد شرط نماز حاصل شده است می گوید ظاهراً حاصل است به همین خاطر قائل به عدم اجزا می شوید. آقای آخوند امارات که کمتر از اصول عملیه نیستند؟! اگر امارات نمی توانند واقع را عوض کنند و شرط را توسعه دهند اصول عملیه به طریق اولی نباید بتوانند چنین کنند.

این نقد مرحوم نائینی مورد اشکال خود شاگردان ایشان واقع شده است.

محقق خوبی می فرماید: آقای نائینی، مرحوم آخوند می فرماید لسان ادله امارات با لسان ادله اصول عملیه فرق دارد. در موارد اصول عملیه (جعل طهارت، اباحه ظاهری) لسان، جعل حکم است؛ کل شی لک حلال، کل شی لک طاهر و... از طرفی این را وقتی می گذاریم کنار ادله اجزا و شرایط، آن جز توسعه به ظاهری و واقعی پیدا می کند. اما لسان امارات اینگونه نیست بلکه لسان امارات طریقت است. لسان امارات می گوید واقع همین است بعد که خلافش آشکار شود مجزی نیست. لذا حق با مرحوم آخوند است.

نقد پنجم محقق نائینی به مرحوم آخوند: آقای آخوند شما می گوید اصالة الطهارة باعث توسعه می شود و طهارت واقعی درست می کند. وقتی شما شرط را اعم می دانید دیگر کشف خلاف معنا ندارد. اگر کسی با آبی که با استصحاب طهارت، طهارتش احراز شده است وضو بگیرد و بعد کشف خلاف شود نه تنها نمازش درست است بلکه اگر آن آب را به لباسی پاشیده یا خورده است آن آب پاک است و... آقای آخوند احدی با چنین آبی معامله طهارت واقعی نمی کند.

این اشکال محقق نائینی نیز مورد اشکال قرار گرفته است مثلاً آقای اصفهانی می فرماید: اگر اقتضای ادله اصول عملیه سبب توسعه در اجزا نماز می شود و اجازه داریم با این آب استصحابی نماز بخوانیم و بعد کشف خلاف هم بگویم کافی است و... آیا این معنایش این است که نجس واقعی هم پاک شود؟! چه ملازمه ای وجود دارد.

عبارت اصفهانی: قلت: فرق بین نفوذ الصلاة معه لكونه شرطاً في هذه الحال، فإنه لا ينافي النجاسة الواقعية، و بين طهارة المغسول به مثلاً، فإنّ النجس الواقعي لا يعقل أن يطهر واقعاً (آبی که استصحاب طهارت داشته معقول نیست که مطهر باشد)، فإنّ فاقد الشيء لا يعقل أن يكون معطياً له. مضافاً إلى أنّ عدم تنجيس الملاقي ليس من آثار الطاهر الواقعي، بل هو بالإضافة إليه لا اقتضاء، لا أنّ له اقتضاء العدم و إنّ كان له اقتضاء ضده.

به قول یکی از آقایان در قم: آقای نائینی آقای آخوند که فرمود: ادله اصول عملیه بر کل نجاسات حاکم است که شما چنین اشکال می کنید.

عبارت: و من ذلك يظهر ضعف ما أفاده في رابع الوجوه: من أنّ الحكومة لو كانت واقعية فلا بدّ من ترتيب جميع آثار الواقع لا خصوص الشرطية، و أنّ لا يحكم بنجاسة الملاقي لما هو محكوم بالطهارة ظاهراً؛ و لو انكشف نجاسته بعد ذلك، انتهى. أنّ الخلط بين المقامين أوقع المستشكل فيما أوقعه، و قد عرفت أنّ الحكومة بين القاعدة و دليل شرطية طهارة لباس المصلّي و بدنه لا بينها و بين أدلّة النجاسات؛ إذ الحكومة عليها باطله بضرورة الفقه، لا ينبغي للفقيه أن يتفوّه بها أو يحتملها.

استاد: ممکن است کلام مرحوم آخوند و مرحوم اصفهانی دارای نقض باشد؛ آقای آخوند اگر کسی استصحاب طهارت آب کرد یا اصاله الطهارة جاری کرد بعد غسل کرد یا وضو گرفت و نماز خواند و... بعد کشف خلاف شد. باید نماز چنین شخصی درست باشد در حالی که فتوا به صحت چنین نمازی نمی دهند. فرق اشکال ما با مرحوم نائینی این است که ایشان مثال به خارج از نماز می زنند و می گویند مثلاً کسی با آب استصحابی فرش شست و... اما مثالی که ما می زنیم برای خود نماز است و به امر خارج از نماز نیست. مگر کسی اینجا فتوای به طهارت بدن می دهد؛ مثال ما هم دقیقاً برای نماز است اگر ادله مبین اصول عملیه حاکم بر ادله مبین نماز است باید اینجا بگوییم که آب کشیدن لازم نیست و... در حالی که احدی چنین فتوای نمی دهد؛ نمی دانم این اشکال را کسی گرفته یا نگرفته است.

به نظر ما این نقض اساسی بر کلام مرحوم آخوند است. مگر اینکه ایشان بفرماید من اقتضا قاعده اصولی را گفتم ولی در اینجا دلیل خاص لا تعداد داریم.

در اینجا محاضرات، آقای صدر، آقای عراقی و... بسیار بحث کرده اند اما ما معتقدیم اگر گلوگاه بحث پیدا شود مساله بهتر پیش خواهد رفت.

**الحمد لله رب العالمین**